



دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی

گروه علوم سیاسی

جایگاه قاعده نفی سبیل در فقه روابط بین الملل

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته :

علوم سیاسی (گرایش روابط بین الملل)

استاد راهنما :

حجت الاسلام جناب آقای دکتر منصور میراحمدی

استاد مشاور :

جناب آقای دکتر رضا خراسانی

شهریور ۱۴





دانشگاه شهید بهشتی

تهران ۱۹۸۳۹۶۹۴۱۱ اوین
تلفن: ۳۹۹۰۱

تاریخ: ۱۴۰۰/۰۷/۲۴

شماره:

۳۰۰/۹۹،۱۷۳۷۱۶

۳۲، ۱۵۰، ۷
۱۴۰۱، ۸

صور تجلسه دفاع پایان نامه تحصیلی دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته

با تاییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر (عج) جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد ناپیوسته آقای ابوالفضل نوریان نجف آبادی

به شماره دانشجویی: ۹۸۴۱۷۲۷۷ رشته: روابط بین الملل

تحت عنوان: جایگاه قاعده نفی سبیل در فقه روابط بین الملل

که در تاریخ ۱۴۰۰/۰۷/۲۱ ساعت ۱۰:۰۰ در محل دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی با حضور هیات محترم داوران در دانشگاه شهید بهشتی برگزار گردید به شرح زیر است:

دفاع مجدد مردود

(با درجه: سیزده)

مردود (کمتر از ۱۴)

متوسط (۱۴-۱۵،۹۹)

خوب (۱۶-۱۷،۹۹)

خیلی خوب (۱۸-۱۸،۹۹)

عالی (۱۹-۲۰)

عضو هیات داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضا
راهنما	منصور میراحمدی چنارونیه	استاد	
مشاور	رضا خراسانی	استادیار	
داور	روح اله طالبی آرانی	استادیار	
داور	علیرضا نوری	استادیار	
نماینده تحصیلات تکمیلی	رضا خراسانی	استادیار	

تذکر: این صور تجلسه صرفاً مبین نتیجه جلسه دفاع بوده و فاقد ارزش گواهی فراغت از تحصیل است. بنابراین ارائه و یا پذیرش آن به عنوان گواهی فراغت از تحصیل هیچگونه وجهت قانونی ندارد.»



دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی

گروه علوم سیاسی

جایگاه قاعده نفی سبیل در فقه روابط بین الملل

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته :

علوم سیاسی (گرایش روابط بین الملل)

استاد راهنما :

حجت الاسلام جناب آقای دکتر منصور میراحمدی

استاد مشاور :

جناب آقای دکتر رضا خراسانی

شهریور ۱۴۰۰

آئین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش های علمی دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه: با عنایت به سیاست های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیات علمی، دانشجویان، دانش آموزان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عناوین پایان نامه، رساله و طرحهای تحقیقاتی که در دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان نامه و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه میباشد، حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان نامه به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تأیید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو میباشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان نامه نیز منتشر میشود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثر هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایش نامه) حاصل از نتایج پایان نامه و تمامی طرحهای تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکدهها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکدهها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و بر اساس آئین نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافتهها در جشنوارههای ملی، منطقه‌ای و بینالمللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان نامه و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آئین نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ در شورای پژوهشی و در تاریخ در هیئت رئیسه دانشگاه به تأیید رسید و در جلسه مورخ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم الاجرا است.

اینجانب ابوالفضل نوریان دانشجوی رشته روابط بین الملل ورودی سال تحصیلی ۱۳۹۹ مقطع کارشناسی ارشد دانشکده اقتصاد و علوم "

سیاسی متعهد میشوم کلیه نکات مندرج در آئین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی دانشگاه شهید بهشتی را درانتشار یافته های علمی مستخرج از پایان نامه تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین نامه فوق الشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی میدهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع به نام بنده و یا هرگونه امتیاز دیگر و تغییر آن نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً "نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله براساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هرگونه اعتراض را از خود سلب نمودم.

"

امضا

تاریخ: ۱۴۰۰/۰۶/۲۰

اینجانب ابوالفضل نوریان تهیه کننده پایان نامه کارشناسی ارشد حاضر، خود را ملزم به حفظ امانت داری از زحمات سایر محققین و نویسندگان بنا بر قانون حق تکثیر و مالکیت نتایج میدانم. لذا بدینوسیله اعلام مینمایم که مسئولیت مطالب درج شده با اینجانب بوده و در صورت استفاده از مطالب سایر منابع، بلافاصله منبع آن ذکر شده و سایر مطالب از این کار تحقیقاتی استخراج شده است. در ضمن، در صورتی که خلاف این مطلب ثابت شود، مسئولیت عواقب قانونی آن را میپذیرم.

نام و نام خواندگی دانشجو : ابوالفضل نوریان

امضا و تاریخ : ابوالفضل نوریان

۱۴۰۰/۰۶/۲۰

تقدیم به روح بلند استاد بزرگوارم

شهید حجت الاسلام و المسلمین محمد حسن ابراهیمی

و

تقدیم به

پدر و مادر عزیزم

که در راه پیشرفت من از هیچ کوششی دریغ نداشته اند

و تشکر میکنم

از تمام معلمین و اساتیدی که

قدم به قدم در راه کسب علم و دانش مرا یاری کرده اند ...

چکیده فارسی :

تعامل و روابط کشور اسلامی با سایر کشور ها و ملت ها امری اجتناب ناپذیر است . اسلام به عنوان دین خاتم ، برای این حوزه ، وظایف و برنامه مشخصی معین کرده است و برای پیشبرد اهداف (سعادت دنیوی و اخروی) و تکامل جامعه اسلامی و مسلمین چارچوب مشخصی را تعیین کرده است .

قاعده نفی سبیل به عنوان یکی از اصول ومبانی ای است که در سیاست خارجی کشور اسلامی باید مدنظر گرفته شود . این قاعده با داشتن مستندات قرآنی ، روایی و عقلانی از اعتبار خاصی نزد علما برخوردار بوده و پیوسته در دست نوشته ها و سخنان شفاهی بزرگان و اندیشمندان دینی مورد استناد قرار گرفته است .

رویکرد نویسنده توصیفی -تحلیلی ، نوع تحقیق تطبیقی ، و روش گردآوری داده ها اسنادی است . همچنین از روش تحلیل نظریه مبنا برای تحلیل داده ها استفاده می شود . بر این اساس ، طراحی و کاربست چارچوب تحلیلی دارای اهمیت ویژه ای می باشد که به صورت مستقل به آن پرداخته شده است .

بررسی دلایل قرآنی ، روایی و عقل این قاعده در فصول و بخش هایی مستقل به صورت اجتهادی (تجمیع و تحلیل اقوال عالمان دینی) مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است . این مطالب به عنوان پشتوانه فصل آخر است که در واقع دستاورد های پژوهش حاضر در آنجا بروز و ظهور می کند .

در فصل چهارم مطالعه موردی سند ۲۰۳۰، اف ای تی اف ، قاچاق کالا و ارز اختصاص یافته و پس از بررسی و تحلیل جوانب مختلف هر یک ، با نگاهی متفاوت به این مسئله می پردازیم که آیا قاعده نفی سبیل می تواند در این موضوعات جاری شده و بتواند به عنوان اصل حاکم ایفای نقش کند ؟ نتیجه فصول مختلف این خواهد بود که قاعده مذکور نه تنها در صدر اسلام ، بلکه در موضوعات و دغدغه های حکومت اسلامی قابلیت اجرا را داشته و ظرفیت و پتانسیل قاعده نفی سبیل می تواند به صورت کامل و جامع در این چالش های حکومتی اجرا و در سیاست های داخلی و خارجی باتوجه به دایره موضوعات جاری شود . در واقع هر یک از موضوعات اخیر می تواند موضوع مورد بحث قاعده نفی سبیل بوده و طبق آن به نحوه دلالت قاعده نفی سبیل نسبت به هر یک پرداخته شده و پویایی این قاعده را تبیین نماید .

کلید واژه :

قاعده نفی سبیل - فقه روابط بین الملل - سیاست خارجی ج.ا.ا - سند ۲۰۳۰-اف ای تی اف - قانون اساسی

فهرست مطالب

۱.....	فصل اول کلیات پژوهش
۲.....	بیان مسئله.....
۳.....	اهمیت و ضرورت تحقیق.....
۴.....	سوالات پژوهش
۴.....	فرضیه
۴.....	پیشینه پژوهش.....
۹.....	تعریف مفاهیم
۱۰.....	فقه روابط بین الملل امری واقعی یا اعتباری
۱۱.....	مبانی و منابع فقه روابط بین الملل.....
۱۱.....	موضوع و هدف فقه روابط بین الملل.....
۱۲.....	تفاوت فقه سیاسی ، فقه حکومتی و فقه روابط بین الملل.....
۱۲.....	روش تحلیل
۱۳.....	فصل دوم قاعده نفی سبیل
۱۴.....	مقدمه.....
۱۵.....	قاعده نفی سبیل در فقه و نظر فقها
۱۶.....	مفهوم نفی سبیل در نگاه اهل سنت
۱۸.....	مفاد قاعده نفی سبیل
۱۹.....	مستندات قاعده نفی سبیل
۱۹.....	قرآن کریم : الف : سوره مبارکه نساء آیه ۱۴۱

- ب: آیات عزت : سوره منافقون آیه ۸ - سوره نساء آیه ۱۳۹ - سوره نساء آیه ۱۴۳ ۲۸
- روایت : الاسلام یعلو و لا یعلی علیه ۲۹
- اجماع ۳۲
- عقل ۳۳
- جمع بندی فصل ۳۴
- فصل سوم الزامات کاربرد قاعده نفی سبیل در فقه روابط بین الملل ۳۵
- مقدمه ۳۶
- عامل تشخیص سبیل ، سلطه و نفی آن ۳۷
- امکان یا عدم امکان الغای خصوصیت از کافرین به سایر فرقه ها و مذاهب دینی ۳۹
- نقش زمان و مکان در تغییر مصداق ۴۱
- رابطه قاعده نفی سبیل با دیگر احکام دینی ۴۳
- امکان یا عدم امکان تخصیص پذیری قاعده نفی سبیل ۴۴
- جمع بندی فصل ۴۵
- فصل چهارم کاربرد قاعده نفی سبیل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ۴۶
- مقدمه ۴۷
- موارد فقهی قاعده نفی سبیل ۴۸
- تاریخچه و پیشینه کاربرد قاعده نفی سبیل ۴۹
- جایگاه قاعده نفی سبیل در مسائل روز جمهوری اسلامی ایران ۵۷
- الف- ضرورت مبارزه با قاچاق کالا و ارز و حمایت از تولیدات و شرکت های ملی ۵۷
- ب- الحاق یا عدم الحاق به کنوانسیون های عدم تامین مالی گروه های تروریستی (اف ای تی اف) ۶۷
- ج- الحاق یا عدم الحاق به سند جامع ۲۰۳۰ ۷۵

جمع بندی فصل ۹۵

نتیجه گیری ۹۷

منابع ۹۹

انتقادات و پیشنهادات ۱۰۴

فصل اول

کلیات پژوهش

بیان مسئله :

جامعه اسلامی همواره برای پیشبرد اهداف تعیین شده از سوی خداوند متعال نیازمند برنامه ای جامع و روشن است. این برنامه باید به گونه ای باشد که تمام جنبه های زندگی فردی و اجتماعی مسلمین و همچنین نسبت به نیازها و مشکلات پاسخی قانع کننده و در عین حال مطابق با اصول عقلانی داشته باشد.

عرصه روابط بین المللی کشور اسلامی با سایر کشورها و ملت ها، که با تنوع قومیتی، دینی مذهبی، آداب و رسوم هستند، یکی از عرصه های مهم و سرنوشت ساز است. بگونه ای که اگر حاکم اسلامی تصمیم اشتباه و نادرستی بگیرد، عواقب این تصمیم زندگی تمام مسلمین و جامعه اسلامی راتحت الشعاع خود قرار می دهد.

دانش فقه روابط بین الملل از جمله مسائلی است که متاسفانه مغفول مانده است؛ بگونه ای که مباحث مهم آن برای پژوهشگران ابهامات زیادی دارد و این ناشی از آن است که آن طور که شایسته است به این دانش پرداخته نشده است. مسائل فقه روابط بین الملل آن قدر حائز اهمیت است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران وابسته به تبیین درست و منطقی این مسائل است تا سیاست مداران و رهبران جامعه ایران در راستای تحقق اهداف ملی و دینی خود موفق تر عمل کنند.

از جمله مسائلی که در فقه روط بین الملل مورد بحث و بررسی قرار میگیرد، نحوه تعامل و همکاری کشورهای اسلامی به خصوص جمهوری اسلامی ایران با کشورهای مختلف در سرتاسر دنیا است. قاعده نفی سبیل به عنوان یکی از اصول اساسی در دانش فقه روابط بین الملل سهم بسیار مهمی دارد و تبیین و بررسی آن می تواند در اتخاذ سیاست های صحیح و منطقی در قبال کشورهای مختلف کمک زیادی داشته باشد.

منظومه فکری اسلام برای عرصه روابط بین الملل چارچوب و اصولی را مشخص کرده و دستور تبعیت و فرمان پذیری نسبت به این مبانی را داده است. قاعده نفی سبیل به عنوان یکی از این مبانی و اصولی است که در قرآن کریم و احادیث نبوی به بیان های مختلف مفاد این قاعده مورد تاکید قرار گرفته است.

با اینکه قاعده نفی سبیل به صورت مستقل و فارغ از ارتباط آن با فقه روابط بین الملل در مقالات و پایان نامه های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است، اما نویسنده بر آن است که این قاعده را در چارچوب دانش فقه روابط بین الملل بررسی کرده و مباحث تنها با صبغه دینی و حوزوی نبوده و نگاهی جامع به ابعاد روابط بین الملل نیز دارد.

آنچه که به عنوان مسئله این تحقیق مطرح است و نویسنده به دنبال تبیین آن است، تبیین جایگاه قاعده نفی سبیل در فقه روابط بین الملل است که در تعاملات و قراردادهایی که یک کشور اسلامی می خواهد با کشورهای مختلف منعقد کند، آن ها را مورد نظر قرار داده و طبق اصول و مبانی فقه روابط بین الملل (که یکی از آن ها

قاعده نفی سبیل است)، این همکاری ها را ایجاد یا منقطع کند. این هدف در گرو تبیین مطالب در دو بخش نظری و کاربردی می باشد. نگاهی افراطی و تفریطی به این قاعده می تواند اثرات جبران ناپذیری به جامعه اسلامی وارد کند و زندگی مسلمانان را تحت الشعاع خود قرار دهد. لذا تبیین نگاه متوسط و مطابق با اصول و مبانی فقه روابط بین الملل اهمیت این مسئله را دو چندان می کند.

پرسش ها و جنبه های مبهم و مجهول این قاعده در دو سطح تبیین و توضیح داده می شود: سطح اول: بررسی مستندات و ادله قاعده نفی سبیل که شامل مباحث مفهومی، رجال و سندی و تحلیل محتوایی ادله می شود. سطح دوم: استفاده از دستاورد هایی که در سطح اول در جنبه های مختلف شده را بر ج.ا.ا به عنوان یکی از کشور های اسلامی، مورد بررسی قرار داده ایم. . .

پایان نامه حاضر پژوهشی برای بررسی قاعده نفی سبیل به عنوان یکی از مبانی و اصول کلی سیاست خارجی اسلام است که برای این منظور تمام ادله و مستندات این قاعده را مورد بررسی قرار داده است و به دنبال آن مباحث مفهوم شناسی، بررسی سند و رجال احادیث و در آخر تطبیق این قاعده در سیاست خارجی ج.ا.ا را مد نظر قرار داده است. تبیین و تطبیق درست و منطقی این قاعده در سیاست خارجی ج.ا.ا در گرو دقت و تامل در مستندات و ادله این قاعده می باشد. لذا نویسنده با درک اهمیت این موضوع، بسیاری از مطالب و تحلیلات خود را نسبت به ادله و مستندات این قاعده معطوف کرده است.

اهمیت و ضرورت تحقیق :

انسان پیوسته برای تعامل و ارتباط خود با دیگران و در سطح بالاتر با کشورها و ملت های دیگر نیازمند چارچوب و برنامه ای مشخص است. غفلت از این موضوع می تواند خسارات جبران ناپذیری را در زندگی فردی و اجتماعی به وجود آورده و باعث محرومیت از فرصت ها و ظرفیت های عمل و همکاری با دیگران بشود.

اسلام به عنوان دین خاتم، با درک اهمیت و ضرورت این موضوع، ابعاد، فرصت ها و تهدیدات این موضوع را در چارچوب اصول و مبانی ای در قرآن کریم و سنت نبوی توضیح و تبیین کرده است. قاعدتا در مرحله نخست باید در چارچوب مباحثی مفهومی، سند و رجال و محتوایی این ادله و مستندات را مورد بررسی قرار داده و در آخر بر اوضاع کنونی و روابط و تعاملاتی که با کشورهای گوناگون باید داشته باشیم، تطبیق داده شود.

هرگونه دیدگاه افراطی و تفریطی نسبت به این موضوع جامعه اسلامی را از اهداف و برنامه خود دور کرده و موجب از دست دادن فرصت ها و ظرفیت های پیشرفت و ترقی خواهد شد. نگاه افراطی و تحریم هرگونه ارتباط با دولت ها و ملت های دیگر موجب انزوا و پسرفت جامعه اسلامی میشود. و در مقابل نگاه تفریطی به این موضوع

و باز بودن هر گونه ارتباط و تعامل خصوصا دولت های کفر و شرک میتواند موجب اضمحلال جامعه اسلامی شده و هویت و ماهیت دینی مسلمین را دچار چالش های جدی خواهد کرد .

نگاه متوسط و متعادل به این موضوع در گرو تبیین مباحث در دو سطح ذکر شده است و این مطلب ، انگیزه ای برای نویسنده شده است تا درباره این موضوع به تحقیق و بررسی مشغول شود .

سوالات پژوهش

سوال اصلی:

جایگاه قاعده نفی سبیل در فقه روابط بین الملل چگونه است ؟

سوالات فرعی:

فقه روابط بین الملل چیست ؟

قاعده نفی سبیل چیست ؟

قاعده نفی سبیل چه کاربردهایی در فقه روابط بین الملل دارد ؟

قاعده نفی سبیل در سیاست خارجی ج.ا.ا چه تاثیری داشته است ؟

فرضیه :

تعامل و ارتباطات دولت اسلامی در عرصه بین الملل ، در تبیین درست و منطقی از قاعده نفی سبیل در فقه روابط بین الملل است. لذا هر گونه تبیین افراطی یا تفریطی باعث تعطیلی احکام اسلامی و خدشه در روابط بین المللی حکومت اسلامی می شود .

پیشینه پژوهش

ادبیات علمی موجود پیرامون این موضوع را می توان در دو بخش بررسی نمود :

الف : ادبیات علمی و آثار فقهی پیرامون قاعده نفی سبیل

۱- کتاب القواعد الفقهیه نوشته سید حسن بجنوردی (۱۳۸۶) ، چاپ شده توسط الهادی .

انگیزه نگارش این اثر طبق اذعان مولف، گرد آوری قواعد فقهیه متفرقه پیرامون عبادات و معاملات است. ولی در ابتدا مدارک و مستندات قاعده را بحث کرده و در طی آن، به شرح و تفصیل آیات قران، روایات، اجماع علما و ادله عقلی (بنای عقلا) و سالم اصحاب می پردازد. همچنین به تبیین موارد تطبیق قاعده پرداخته و مصادیق فقهی ای که قابلیت تطبیق بر این قاعده را دارند، معرفی و توضیح می دهد. در قسمت آخر، رابطه این قاعده با سایر قواعد را بررسی کرده و آنها را در یکی از سه روش ورود، حکومت و تخصیص جمع بندی می کند و به رفع تعارض ها می پردازد.

بجنوردی در هر قاعده با شیوه مذکور مطالب را تنظیم کرده و بیش یک صد قاعده فقهی را در قالب هفت مجلد کتاب، به رشته تحریر در آورده است.

۲- کتاب القواعد الفقهیه نوشته محمد فاضل لنکرانی، چاپ توسط مرکز فقه ائمه الاطهار، ۱۳۹۳ ش

این کتاب مشتمل بر هفتده قاعده بوده و مولف در ذیل هر قاعده، مدارک، مفاد و سایر مباحث مربوط به آن را مطرح کرده است. در واقع این کتاب مجموعه مباحثی است که مولف در کلاس های خود طرح کرده و در قالب این کتاب تحت هفده قاعده مهم به رشته تحریر درآمده است. این کتاب در مقیاس با کتاب بجنوردی مختصر و مجمل می باشد.

۳- کتاب مبانی الفقه الفعال فی القواعد الفقهیه الاساسیه، علی اکبر سیفی مازندرانی، چاپ توسط جامعه مدرسین، ۱۳۸۶ش

این کتاب در دو جلد به زبان عربی تالیف شده است. نویسنده در ابتدای کتاب به مقدمه ای در اهمیت و جایگاه بحث در باب قواعد فقیه و توضیح روش تحقیق و استدلال خود پرداخته است. تقریباً می توان این کتاب را در ردیف کتب تالیفی محمد فاضل و سید حسن بجنوردی معرفی کرد. تنها تفاوت این کتاب با آثار پیشین، در اختصار و اجمال این اثر نسبت به آثار قبلی می باشد. نویسنده بر این باور است از مجموع قواعد فقهی، آن دسته قواعدی که بیشترین اهمیت را در طریق اجتهاد و استنباط احکام دارند، تجمیع و تدوین کرده و آن هارا به نحو شایسته توضیح داده است.

۴- کتاب قواعد فقه سیاسی، روح الله شریعتی، چاپ توسط پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی، ۱۳۹۴

مولف در قسمت اول کتاب به مباحث مقدماتی همچون تفاوت های قاعده فقهی و قاعده اصولی، ثمرات قواعد فقه سیاسی و جایگاه عرف نسبت به این قواعد را تبیین کرده است. در قسمت دوم به سبک سایر کتب قواعد فقهیه مدارک و مفاد و سایر مباحث مربوط به هر قاعده را تشریح کرده است.

ویژگی منحصر بفرد این کتاب در تقسیم بندی قواعد است. نویسنده مجموعه قواعد را به ترتیب در شاخه قواعد عام، قواعد سیاسی، قواعد اجتماعی و قواعد اقتصادی دسته بندی کرده و هر قاعده را در ذیل عنوان خود تبیین کرده است.

۵- کتاب فقه سیاسی، عباسعلی عمید زنجانی، چاپ توسط انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷

این کتاب یکی از کتب مهم و مرجع در زمینه فقه سیاسی است و مباحث آن به تفکیک در ده جلد جمع آوری شده است. گزارشی اجمالی از مباحث و عناوین این کتاب نفیس، می تواند مخاطب را نسبت به ویژگی های خاص این کتاب آشنا کرد.

جلد اول مباحث کلی همچون جایگاه حقوق و منابع آن، تشریح قانون اساسی ایران و تشریح نهایی های سیاسی ج.ا. همچون شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و حدود و اختیارات آن پرداخته است.

جلد دوم به تاریخ رهبری سیاسی عصر پیامبر اکرم و معصومین براساس موازین فقهی و کلامی پرداخته شده است. دیدگاه اندیشمندانی همچون صاحب جواهر، علامه نائینی و امام خمینی محوریت مطالب این کتاب بوده و جایگاه رهبری اسلام بر اساس فقه شیعی توضیح داده شده است.

جلد سوم مباحث صلح و همزیستی، امنیت و تعاون در مسائل بین المللی و مبارزه با سلطه (قاعده نفی سبیل) پرداخته است.

جلد چهارم به مسائل اقتصاد سیاسی و تشریح و توضیح نظام مالی دولت اسلامی و فقر زدایی پرداخته است. جلد پنجم و ششم به ریشه های جنگ و راه های کمک به حذف آن، جهاد و آثار آن و بررسی آراء و نظرات و اندیشه های سیاسی بزرگان شیعه پرداخته است.

جلد هفتم و هشتم پیرامون مبانی حقوق عمومی فقه اسلام است. و آراء فقهای شیعی از کلینی تا امام خمینی آورده شده است.

جلد نهم به صورت خلاصه به جایگاه قاعده مصلحت در فقه سیاسی و الزامات این قاعده و تاثیر این قاعده بر مسائل و امور مختلف پرداخته است.

و در آخر جلد دهم به کلیات اندیشه سیاسی جهان اسلام معاصر پرداخته است.

۶- کتاب القواعد الفقهیه، ناصر مکارم شیرازی، چاپ توسط مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۴۱۱ ق

مؤلف در دو جلد سی قاعده کلی فقهی که بیشترین کاربرد را در ابواب فقهی دارند، انتخاب کرده و به شیوه متداول در تالیف کتب قواعد فقهیه مباحث را دسته بندی و ترسیم کرده است. به اعتقاد مؤلف، قاعده لاضرر به عنوان مهم ترین قاعده محسوب می شود و به عنوان اولین قاعده، مورد بررسی قرار داده است. منابع و ادرس های متعدد در ذیل هر قاعده به عنوان ویژگی خاص این قاعده محسوب می شود.

۷- مقاله قاعده نفی سبیل، ابوالقاسم علیدوست، فصلنامه مقالات و بررسی ها، زمستان ۱۳۸۳

این مقاله در دو بخش ترسیم شده است. در بخش اول مفاد، مدارک و نحوه دلالت قاعده نفی سبیل بررسی شده است. در بخش دوم الزامات قاعده نفی سبیل و مباحثی همچون تاثیر زمان و مکان در تغییر مصداق این قاعده، عامل تشخیص سبیل، سلطه و نفی آن، تخصیص پذیری قاعده نفی سبیل و رابطه این قاعده با دیگر احکام مورد بررسی قرار گرفته است. در واقع قسمت دوم مقاله، رویکردی اصولی داشته و باتوجه به مبانی اصولی این الزامات تبیین و توضیح داده شده است.

ب: پیشینه تحقیق در آثار تطبیقی قاعده نفی سبیل

۱- مقاله تبیین دلالت قاعده نفی سبیل بر وجوب مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مهدی فرهنگ دلیر، فصلنامه اقتصاد پنهان، اسفند ۱۳۹۷

مؤلف در مقاله حاضر بعد از بررسی مفاد، ادله و نحوه دلالت این قاعده به صورت مختصر و مجمل به بررسی یکی از مصادیق این قاعده (وجوب مبارزه با قاچاق کالا و ارز) پرداخته است. در واقع از آنجا که این قاعده قابلیت تطبیق بر مصادیق مختلف را دارد، نویسنده تنها به این مصداق پرداخته و بعد از بررسی مباحث مفهومی و آسیب شناسی قاچاق بر پیکره اقتصاد دولت اسلامی پرداخته است. نویسنده به خوبی از عهده تطبیق قاعده مذکور بر موضوع قاچاق کالا برآمده است.

۲- مقاله بازخوانی قاعده نفی سبیل با رویکردی به اندیشه های امام خمینی، محید رضایی، سید محمد علی هاشمی، پژوهشنامه متین، شماره پنجاه و هفت زمستان ۱۳۹۱

نویسنده در مقاله مذکور پس از بررسی اجمالی ادله، مفاد و نحوه دلالت قاعده نفی سبیل با تمرکز بر سخنان و اندیشه های امام خمینی (ره) سعی دارد این قاعده را از دیدگاه ایشان مورد بررسی قرار دهد. استنادات امام به قاعده نفی سبیل در مصادیقی همچون لزوم مبارزه و پیکار با کفار و مشرکین در داخل و خارج از ایران، مبارزه با تروریسم و رژیم صهیونیستی و همچون بررسی موارد فقهی ای که با استناد به قاعده نفی سبیل در طول تاریخ مورد بررسی قرار گرفته است. مواردی همچون نهی ازدواج زن مسلمان با کافر، نهی فروختن قرآن و اشیاء مقدسه به کفار و مشرکین.

۳- مقاله رابطه قاعده نفی سبیل با استراتژی های مطرح در سیاست خارجی (با تکیه بر آیه نفی سبیل) ، اصغر آقا مهدوی ، محمود اکبری ، فصلنامه بررسی های حقوق عمومی ، شماره اول ۱۳۹۱

نویسنده در بخش اول مقاله با بررسی مباحث مفهومی آیه نفی سبیل و همچنین معنا و مفاد قاعده مذکور می پردازد. مباحثی همچون معنا شناسی واژه های سبیل ، کافر ، مومن از جمله این مباحث است . در ادامه برای دولت و حکومت اسلامی سه استراتژی درسیاست خارجی مفروض می دارد و هر یک را به صورت مستقل بررسی میکند که کدام یک نسبت به قاعده نفی سبیل تطبیق دارد و باید به آن توجه کرد . این سه استراتژی عبارتند از : سیاست انزوا طلبی ، سیاست عدم تعهد و بی طرفی ، سیاست ائتلاف و اتحاد .

۴- مقاله تاثیر قاعده نفی سبیل بر روابط بین المللی مسلمانان ، سید علیرضا حسینی، محمد رضا ناظری ، فصلنامه معارف فقه علوی ، شماره سوم سال ۱۳۹۵

این مقاله صرفا رویکردی فقهی دارد و به صورت تخصصی به بررسی تبار شناسی قاعده نفی سبیل ، مباحث مفهومی و ادله قرآنی و روایی قاعده مذکور پرداخته است . در واقع نویسنده با تاکید زیاد بر مباحث مفهومی سعی دارد ، حوزه دلالت قاعده نفی سبیل را مشخص کرده و طبق آن ، چارچوب و الگویی مشخص برای قاعده مذکور ترسیم نماید . مباحثی همچون تفاوت سبیل (سلطه) با مکر ، کید و خدعه از جمله این مباحث است . در مجموع می توان رویکرد مقاله نسبت به قاعده مذکور را ، رویکردی لغوی و مفهومی معرفی کرد .

۵- مقاله قاعده نفی سبیل و الحاق ایران به کنوانسیون بین المللی مقابله با تروریسم ، سیامک کرم زاده ، زهرا فیض ، فصلنامه تطبیقی حقوق اسلام و غرب ، شماره دوم سال ۱۳۹۸

نویسنده در بخش اول مقاله خود به صورت مجمل به معرفی و جایگاه قاعده نفی سبیل در نظام فقه شیعی می پردازد و در ادامه به معرفی ادله و مستندات قاعده نفی سبیل پرداخته است . در بخش دوم به صورت تخصصی به معرفی کنوانسیون های بین المللی مبارزه با تروریسم پرداخته و ادله موافقن و مخالفین پیوستن به این کنوانسیون بین المللی را بررسی می کند . نکته قابل توجه این است که هر یک از دو طیف موافقین و مخالفین سعی دارند با استناد به قاعده نفی سبیل ، موضع خود را تحکیم ببخشند . به این بیان که مخالفین با بیان اینکه الحاق به کنوانسیون مذکور مصداق سلطه کفار بر مسلمین است . در حالیکه مخالفین بر این باورند که مصداق مذکور به از موضوعیت قاعده نفی سبیل خارج بوده و ربطی به این قاعده ندارد .

۶- مقاله بررسی و تحلیل قاعده عدم سلطه پذیری مومن (با رویکردی به تحلیل اصطلاح سبیل) ، محمد ادیبی مهر ، فصلنامه حقوق اسلامی ، شماره سی و پنج ۱۳۹۱

نویسنده در مقاله مذکور با تمرکز بر مفهوم سبیل که در مستندات و مدارک قاعده نفی سبیل آمده است، سعی دارد رویکردی جدید و نو به این قاعده داشته باشد. احتمالات مذکور در معنای سبیل عبارتند از: سبیل به معنای حجت و عذر، سبیل به معنای سرزنش کردن و مذمت کردن، سبیل به معنای راه و طریق. هر یک از این معانی میتواند مفاد و معنای قاعده را دستخوش تغییر کند. در گام بعدی، سبیل از دیدگاه معنای اصطلاحی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در این راستا چهار معنای اصطلاحی قابل فرض بوده و هر یک مستقلاً بررسی می‌شود. این چهار معنی عبارتند از: سبیل به معنی ملکیت، سبیل به معنی حجت، سبیل به معنای سلطه به مفهوم عام و سبیل به معنای غلبه حکمی.

با توجه به پیشینه مطرح شده، پژوهش حاضر در صدد است در بخش نخست به صورت تفصیلی مفاد، ادله و مستندات، ملزومات قاعده نفی سبیل را بررسی کرده و تمام اقوال و احتمالات مذکور را از حیطة فقهی مورد بحث و بررسی قرار دهد. لذا از این جهت نسبت به آثار مذکور مزیت جامعیت را برخوردار است. در بخش دوم به صورت تطبیقی به تاریخچه قاعده نفی سبیل در مسائل و مباحث فقهی و سیاسی و همچنین به بررسی قابلیت تطبیق این قاعده بر نیازهای حکومت و دولت اسلامی پرداخته است. لذا از این حیث با فحص و دقت کامل، نسبت به پیشینه پژوهش، دارای جامعیت کامل بوده و تمام آثار مذکور را پوشش می‌دهد.

تعریف مفاهیم:

الف: قاعده نفی سبیل:

قاعده ای اسلامی است که هرگونه تسلط و برتری کفار بر مسلمین را در تمام جنبه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی منتفی جایز نمی‌داند. (جمعی از مولفان، (۱۳۹۰)، ص ۱۰)

ب: فقه:

فقه در لغت، به معنای دانستن و فهمیدن است. (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۶ ص ۲۲۳) و راغب در مفردات، آن را پی بردن از معلومات حاضر به معلومات غایب معنا کرده است. (راغب اصفهانی ۱۴۱۲ق، ص ۶۴۲).

در اصطلاح فقهیان هر حکم، مشخص‌کننده وظیفه‌ای است که خداوند متعال در مورد هر یک از کارهای بندگانش، از آنها انتظار دارد. هدف این احکام، این است که انسان عمل خاصی را در خارج انجام دهد یا ترک کند یا اینکه نسبت به ترک یا انجام آن مخیر باشد. و منظور از «علم فقه» علم یافتن به احکام شرعی است از راه‌های اثبات‌کننده آن. (مشکینی ۱۴۱۴ق، ص ۴۳)